

[القاب نامه]

گردآورنده: سکینه مرادی^۱

القاب در دوره قاجاریه

عهد قاجاریه از لحاظ القاب توصیفی، شخصی و دیوانی، سه دوره دارد: دوره رونق القاب در زمان فتحعلی‌شاه؛ دوره تورم القاب در عهد ناصرالدین شاه و دوره انحطاط و پایان یافتن نهاد القاب در عهد مظفرالدین شاه و احمدشاه و انقراض قاجاریه.

دوره اول، زمان آغاز و رشد تدریجی اعطای القاب توصیفی، شخصی و دیوانی است. نخستین لقب دیوانی، اعتمادالدوله است که به تقلید از صفویه، به صدراعظم اعطاء می‌شد. آن‌گاه فتحعلی‌شاه اعطای چند لقب توصیفی مربوط به مشاغل عالی را به تقلید از صفویه، آغاز می‌کند: مستوفی‌الممالک، منشی‌الممالک و معیرالممالک که به افراد و خاندان‌های ارباب آن مناصب، تعلق می‌گیرد. وی همچنین حدود پنجاه لقب توصیفی با مضاف الیه دوله و سلطنه و چندلقب دیگر به شاهزادگان، زنان حرم و برخی از رجال دیوانی اعطا می‌کند. محمدشاه نیز به همین سیاق، تعدادی لقب اعطاء می‌کند.

در اواخر سلطنت فتحعلی‌شاه، یکی از مؤلفان به تمسخر نام و لقب ۱۰۲ شاهزاده را با مضاف الیه ملک که هنوز در آن دوره چندان متداول نبود، به دست می‌دهد و با توجه به زاد و ورود شاه، پیش‌بینی هزاران لقب از این نوع را می‌کند که در دوره ناصری و اواخر قاجاریه تحقق می‌یابد. به سبب آنکه در آن زمان اعطای القاب رسم نبود، لقب دادن به هفده تن از فرزندان شاه موجب این عکس‌العمل شده است.

فهرست القاب در چهلمین سال سلطنت ناصرالدین شاه، ساخت و ترکیب القاب دیوانی دوره قاجاریه را نشان می‌دهد. در این فهرست، ۶۱۸ لقب آمده است: ۲۱۸ لقب نوعیه شغلی و چهارصد لقب توصیفی

۱. کارشناس کتابداری کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

شخصی. در این فهرست بیش از چهل مضاف الیه و حدود ۱۳۰ مضاف به کار رفته است. براساس یک برآورد، حدود ۲۵۰ کلمه مناسب برای مضاف به القاب وجود داشته که با چهل مضاف الیه، حدود ده هزار لقب قابل ساختن بوده است.

مضاف‌های القاب از اسماء وصفی انتخاب می‌شده و بر حسب تناسب معنی آن با وظیفه و مرتبه رجال به آنان اعطا می‌گردید. مضاف الیه جزء اساسی لقب بود و مناسب با مقام و موقعیت و وظایف دیوانی یا اجتماعی صاحب لقب، برگزیده می‌شد. چون القاب، سلسله مراتب داشت و تا حدی به سلسله مراتب شغلی بستگی داشت، رجال کشور غالباً یا پیش از ارتقاء مقام یا هم‌زمان یا بعد از آن، ارتقاء لقب می‌یافتند. در نتیجه غالب رجال بزرگ در طول خدمت، چند لقب می‌گرفتند. طبق برآوردی که از تعداد القاب براساس اطلاعات شرح حال رجال ایران به عمل آمده، حدود یک چهارم رجال، دو لقب و حدود یک دهم آنان سه لقب و بیشتر گرفته‌اند. آنان بالاترین مشاغل را نیز داشته‌اند. القاب نیز مانند مشاغل تا حدی جنبه موروثی داشت، به خصوص اگر القاب از درجات پایین تر بود و داوطلب ذی‌نفوذی نداشت و وارث صلاحیت‌داری هم موجود نبود، احتمال انتقال لقب به وراثت زیاد بود؛ یعنی وارثان در اخذ و احراز لقب، حق تقدم داشتند. طبق همان بررسی، حدود یک سوم القاب موروثی و نزدیک به نیمی اکتسابی و در مورد چگونگی احراز بقیه، اطلاعی در دست نبوده است.

در دهه آخر سلطنت ناصرالدین شاه، امین السلطان صدراعظم، برای بسط نفوذ خویش، القاب بسیاری تصویب کرد و به صحنه شاه رسانید که مقدمه تورم القاب شد. در آن زمان برای لقب فرمان صادر می‌کردند و از پنجاه تا صد دانه پنج‌هزاری طلا برای صدور فرمان لقب پیش‌کش می‌دادند. ناصرالدین شاه برای جلوگیری از اعطای بی‌رویه القاب و تورم و بی‌اعتبار شدن آن، چند اقدام بی‌نتیجه انجام داد: یکی اینکه برای رهایی از فشار نزدیکانش برای اعطای لقب به افراد بی‌صلاحیت، چند بار اعطای لقب را برای مدتی متوقف کرد. وی در همان سال دستور داد تا کلیه القاب در رساله‌ای ثبت شود که تنها مقدمه آن با چند لقب تدوین شد.

وی همچنین در اواخر سلطنت خود، دو قانون تصویب کرد: قانون بذل مناصب و امتیازات نظامی که تعداد سرداران و امیران تومان را به ترتیب به پنج و هفت نفر محدود می‌کرد و قانون‌نامه امتیازات دولتی که فصل سیزدهم آن به ضوابط اعطای القاب اختصاص دارد و نشان دهنده انواع انحراف از آنهاست: القاب مختلفه که برای تمایز اشخاص به طبقات علما، وزراء، شاهزادگان، اعیان، تجار و محترمان خوانین داده می‌شود، از این تاریخ به بعد مشروط به فقرات مشروحه ذیل است: اولاً لیاقت و برازندگی شخصی، ثانیاً ظهور خدمتی فوق‌العاده که او را مستوجب امتیاز و تعزیز در خطاب کرده باشد، ثالثاً موجود بودن اسباب و لوازم ظاهره که بتواند در خور خطاب دولتی تجملات خود را حفظ کند، رابعاً مناسبات حال و محل و لقب و مدعو به که موقع و مسلک و شخص و تشخیص آن به همه جهت رعایت شده باشد، خامساً تعیین القاب از لقب‌هایی که تاکنون مصطلح و معمول شده است، اختراع لفظ جدید و اشتقاق تازه در لغات به کلی موقوف است... کسانی که از طبقات نوکر و غیرنوکر، بی‌حکم همایون، به خود لقبی بسته و تدریجاً خود را به آن

القاب معروف نمایند، مستوجب حبس و جریمه خواهند بود.

در زمان مظفرالدین شاه، موضوع فرمان شاه منتفی شد و به دست خط تنها هم لقب داده می شد. منشی و کاغذخوان حضور، روزی ده بیست تا از این دستخط ها صادر می نمود. در این زمان نیازی حتی به صدور دست خط مظفرالدین شاه هم نبود. هر کس به هر مضاف و مضاف الیهی که می خواست ملقب شود، مهتری به آن سجع می کرد و هر چه می خواست می شد. در زمان احمد شاه، بعد از آنکه افراد خود را ملقب می کردند و در اعیاد و مراسم، نامه تبریکی به شاه می نوشتند و لقب خود ساخته را پای امضاء می گذاشتند، منشی شاه بدون تحقیق در پاسخ به آنها نامه تشکری که لقب شخص در عنوان آن بود، خطاب به وی صادر می کرد. در آن دوران، بسیاری از وزراء، حکام و قوانین نیز از سر تفنن به زیردستان و نزدیکان خود لقب‌هایی می دادند که بدان شهرت می یافتند. پس در اواخر قاجاریه کمتر کسی بود که دستش به جایی برسد و لقبی نداشته باشد.

در آستانه مشروطیت و در جریان آن، از بسیاری القاب و الفاظی که برای لقب‌های جدید ابداع می شد، انتقادهایی به عمل می آمد و روزنامه های آزادی خواه آن را از یادگارهای رژیم قدیم و استبدادی معرفی می کردند و شاعران در طعنه بر آن شعر می گفتند. با این همه، القاب و عناوین هنوز اهمیت خود را داشت، چنان که حتی دموکرات‌ها که از تندروان بودند، القاب خود را رها نمی کردند. تورم و انحطاط القاب در اواخر قاجاریه و حساسیت مردم نسبت به آن، سبب شد که با انقراض سلسله قاجار در سال ۱۹۲۵م. طبق قانون الغای القاب و مناصب مخصوص نظام و القاب کشوری، کلیه القاب و درجات بالای نظامی و القاب کشوری ملغی شد، اما سال‌ها رجال با همان القاب سابق شهرت داشتند، حتی پس از اجباری شدن نام و نام خانوادگی در همان سال، بسیاری از آنان نام خانوادگی خود را نوعی انتخاب می کردند که نشانی از القاب منسوخه در آن باشد، مانند محمد مصدق، مصدق السلطنه و احمد قوام، قوام السلطنه خاندان فرمانفرمائیان و یا روی کارت ویزیت لقب سابق را نیز درج می کردند.

نخستین القاب‌نامه رساله‌ای است در زمینه شناخت لقب‌های درباریان (شاهزادگان عظام)، چاکران درباری، وزرای عظام، امراء، علماء، اعلام، مجتهدین عظام و اصحاب دعاء که متکفل لقب و کاری از دولت نیستند.

اینان پنج درجه اند.

القاب علمایی که از دولت به شغل و لقبی منصوبند؛ القاب متولیان مشاهد مقدسه، مدارس، مساجد و مقابر محترمه؛ القاب صاحب منصبان عساکر منصوره؛ القاب حکام و پیشکاران ممالک محروسه؛ القاب سایر متفرقات.

این رساله به نظر می‌رسد نخستین رساله‌ای است که به تاریخ رمضان ۱۲۷۹ در زمینه القاب تألیف و منتشر گردیده است. این رساله متأسفانه فاقد نام نویسنده است، ولی به خط زیبای نستعلیق تحریر گشته است. در این رساله پیداست که چه القابی به چه کسی می‌توان داد، اما قبل از این رساله، وضع القاب روشن نبود. در منشآت قائم مقام و دیگر منشیان عهد قاجار، القاب سرنوشت روشنی ندارد، اما با انتشار این رساله

ارزنده، راه و رسم القاب‌نگاری روشن شده است.
مؤلف این رساله، آورده است:

بسم الله تعالى شأنه العزيز

تشخیص و ترقیم القاب اشخاص محض بملاحظه تمیز شئونات ارباب القاب است و نظر باینکه اصحاب استیفا و انشاء و محررین و نویسندگان در فرامین و بروات و احکام دیوانی القاب مردم را بیک نحو نمینوشتند، رای جهان آرای همایون سرکار اعلیحضرت قدر قدرت شاهنشاه ظل الله عالم پناه مربی و ولینعمت کل ممالک محروسه ابدالله دولته و ایدالله شوکتة علاقه گرفت که در احکام و نوشتجات دیوانی و فرامین و بروات آنچه از جانب سنی الجوانب همایون مرقوم می شود و بدستخط صحیح همایون تزیین مییابد همه در تحت یک قاعده کلیه مندرج بوده هریک از مستوفیان عظام و منشیان عطارده احتشام و کتبه کرام دولت جاوید ارتسام بهرکس از جانب سنی الجوانب همایون چیزی مرقوم دارند بهمین القاب که درین کتاب مرقوم و مسطور است بنویسند تا هم شئونات مردم رعایت شود و هم تفاوت و اختلافی در القاب حاصل نشود و این قاعده مخصوص خواهد بود از برای فرامین و احکام دیوانی سایر مردم هرکس بدیکری هر چه خواسته باشد بنویسد مختار خواهد بود البته از هر جبهه رعایت شئونات یکدیگر را خواهند نمود.

القاب شاهزاده‌کان عظام

شاهنشاه زادگان	نواب ولیعهد	مصباح مشکوه روح و مفتاح ابواب فتوح عضن شجره خلافت و ثمر دوحه سلطنت فرزند ارجمند بیهمال ولیعهد دولت بیزوال
اخوان	سایرکه در دربار اقامت داشتند	فرزند سعادت‌مند نامدار و خجسته اختر ارجمند کامکار نور چشم بلند اختر کامکار نامدار
اعمام و بنی اعمام	درجه اولی درجه ثانیه درجه ثالثه امیرزادگان درجه رابعه درجه خامسه	عم اکرم اسعد کامکار نامدار عم ارجمند سعادت‌مند نور چشم ارجمند کامکار اعز ارجمند ارجمند

القاب چاکران درباری

وزاری عظام که هریک از ارکان امور معظمه دولتی اعم از داخله و خارجه امروز بعهدہ کفالت یکی از ایشان باراده سینه همایون محول است و مهمام خطیره دولت علیه را متکفل هستند.

جناب جلالتمآب قواماً للعز و الاقبال فدوی دولت بیزوال القاب وزرای عظام که از ابنای ملوکند چون در صفحه پیش در ضمن القاب اعمام کرام از درجه اولی ذکر شده است محتاج باعاده نبود سایر وزراء دارالشوری

القاب وزرای عظام

جناب فخامت و نبالت اکتناه مقرب الخاقان

درجه اول دولتخواه دولت ابدارتسام امیر الامراء العظام مقرب از قبیل کشیکچی باشی الخاقان

القاب امرا

و غیره

درجه دویم عمدۀ الامراء العظام

درجه سییم نتیجۀ الامراء العظام

القاب علماء اعلام و مجتهدین عظام و اصحاب دعاء که متکفل لقب و کاری از دولت می شد پنجدرجه اند

جناب قدسی نصاب کروی انتساب حاوی الفروع و **شیخ المشایخ العظام ببعضی** الاصول جامع المنقول و المعقول قدوة المحققین و زبدۀ **هم بمناسبت سن و شان** المجتهدین فلان متع الله المسلمین بطول بقائه **نوشته میشود**

درجه اولی

جناب افادت و افاضت نصاب فضایل و عوارف اکتساب زبدۀ العلما العظام و نخبۀ الفقهاء الکرام فلان سلمه الله تعالی

درجه ثانیه

جناب فضایل مآب حقایق و دقایق اکتساب علام فهام **اکر در اسمی لقب** زید فضله **شیخ داشته باشد بحسب سن یا شان شیخ الاسلام و المسلمین هم نوشته میشود**

درجه ثالثه

عالیجناب فضیلت نصاب مقدس القاب

درجه رابعه

بیشتماز هم هریک از این درجات باشند موافق آندرجه نوشته میشود

عالیجناب صلاحیت مآب

درجه خامسه

القاب علمائیکه از دولت بشغل و لقبی منصوبند

جناب شریعت‌آب افادت و افاضت نصاب محامد و محاسن آداب فلان امام جمعه سلمه الله تعالی	امام جمعه	
جناب فواضل و عوارف اکتاب محامد و محاسن آداب شیخ الاسلام فلان	درجه اولی	شیخ الاسلام و قضات
عالیجناب قدسی القاب قدوسی انتساب	درجه ثانیه	
قضات		
بحسب شان هریک از این دو درجه باشد موافق آن نوشته میشود		
اگر از طبقه علما باشد مطابق درجات القاب علما و اگر از زمره چاکران درباری باشد موافق القاب چاکران بزرگ نوشته می شود		نظام العلما
عالیجناب مجددت و فخامت انتساب		ملاباشی
اگر از طبقه علما باشد جناب مجددت نصاب و اگر از صنوف چاکران باشد عالیجاه رفیع جایگاه مجددت و فخامت انتباه مقرب الخاقان		صدر دیوانخانه
عالیجاه مجددت و بخدت همراه مقرب الحضرت الخاقانیه		نایب الصدر
عالیجاه عزت و سعادت همراه ابلغ الخطبا		خطیب درباری
عالیجناب قدسی القاب طریقت و حقیقت اداب قدوة السالکین و زبدة العارفین	درجه اول	مشایخ و موالی و عرفا
عالیجناب شریعت و طریقت آداب	درجه دویم	
القاب متولیان مشاهد مقدسه و مدارس و مساجد و مقابر محترمه		
اگر از صنف علما باشد بحسب شان و فضل باید ملاحظه نموده مطابق با هریک از درجات خمسہ علماء باشد مینویسند و اگر از صنف خدام باشد موافق شان نوکری او		مشهد مقدس رضا و عتبات عالیات
اگر از صنف علما باشد موافق درجه رابعه علماء و اگر از خدام است موافق شان نوکری که دارد نوشته میشود		حضرت معصومه قم
عالیجناب صلاحیت مآب		سایر مشاهد و مقابر محترمه

اگر از طبقه سادات باشند
سلاله الاطیاب هم افزوده
میشود

صاحبجمعان دیوانی	درجه اولی	معمد دربار کیوان مدار همایون مقرب الخاقان
شعرا و اطباء و منجمین	درجه ثانیه	عالیجاه مجددت و بخدمت همراه مقرب الخاقان
سررشته داران و مشرفین و محررین	باشیان سایرین سررشته داران	عالیجاه رفیع جایگاه مقرب الخاقان عالیجاه فطانت و فراست اکتناه عالیجاه عزت و سعادت همراه زبده الاشباه
	مشرفین محررین	عالیشان عزت و صداقت ارکان زبده الاقران عالیشان عزت و سعادت نشان
<p>القاب صاحب منصبان عساکر منصوره</p> <p>نصب سردار کل داخل اجزای دارالشوری نوشته میشود سایر مداران بسطور نوشته شود</p>		
پیشکاران قشون	سرداران امیرتومان	دولتخواه دولت جاوید ارتسام امیرالامراء العظام موتمن السلطان عالیجاه رفیع جایگاه امارت و نبالت اکتناه شهامت و بسالت انتیاه مقرب الخاقان
لشکر نویسان	اجودان باشی کل درجه اول درجه دویم	مثل امیر تومان فدوی دولت جاویدنشان مقرب الخاقان عالیجاه مجددت و بخدمت همراه مقرب الحضرت الخاقانیه
سرتیبان	درجه سیم اول دویم	عالیجاه مجددت و عزت همراه مقرب الحضرت العلیه عالیجاه رفیعجایگاه فخامت و نبالت انتباه مقرب الخاقان عالیجاه مجددت و بخدمت اکتناه مقرب الحضرت الخاقانیه

عالیجاه عزت و صداقت همراه مقرب الحضرت العلیه	سیم	
عالیجاه شهامت و صرامت همراه خلوص ارادت آگاه	اول	سرهنگان
درجه اول مثل درجه ثالث سرتیب	دویم	نایبان اجودان
درجه دویم مثل سرهنک	سیم	باشی
درجه سیم مثل یاور		اجودان
مثل سرهنک		باشی توپخانه
معتمد دولت جاویدارکان مقرب الخاقان	درجه اولی	
عالیجاه مجدت و بختد همراه مقرب الخاقان	درجه ثانیه	
عالیجاه مجدت همراه مقرب الحضرت الخاقانیه	درجه ثالثه	القاب
عالیجاه عزت و سعادت همراه مقرب الحضرت العلیه	درجه رابعه	مستوفیان عظام
فدوی دولت ابد ارکان مقرب الخاقان	اول	القاب منشیان
عالیجاه مقرب الحضرت الخاقانیه	دویم	کرام
عالیجاه مقرب الحضرت العلیه	سیم	
عالیجاه عزت و سعادت همراه	چهارم	
عمده الخوانین العظام مقرب الخاقان	اول	
زبدۀ الخوانین العظام	دویم	القاب خوانین
نتیجۀ الخوانین العظام	سیم	
فدوی بلا اشباه مقرب الخاقان	ایشیک افاسی باشی	القاب باشیان و صاحبان مناصب مخصوصه
اگر از طبقه امراء است بدرجات هریک از امراء مناسبت داشته باشد نوشته میشود و اگر از خوانیزن است بدرجات خوانین	نسقچی باشی	
عالیجاه رفیعجایگاه مجدت و بختد همراه مقرب الخاقان	فراشباشی	
عالیجاه مقرب الخاقان	حارجی باشی و نقاش	
عالیجاه خلوص عقیدت همراه مقرب الحضرت الخاقانیه	باشی مخصوص حضور	
	شاطر باشی	

معماری باشی و سایر	عالیجاه عزت همراه نادر العصر و الزمان
نقاشان درباری	
پیشخدمتان حضور	درجه اول عالیجاه الخاقان
همایون	دویم عالیجاه الحضرت الخاقانیه
	سیم مقرب الحضرت العلیه
سایر عمله خلوت	قهوه چی باشی ابدار باشی عالیجاه عزت و صداقت همراه
	سرایدار و فرانشلوتان
یاوران	سایر اجزاء عالیشان صداقت نشان
سلاطین	عالیجاه عزت و سعادت همراه عالیشان رشادت و جلادت ارکان
نایبان	عالیشان عزت و سعادت نشان
یوزباشیان و غلام	درجه اول عالیجاه جلادت و بسالت انتباه مقرب الحضرت الخاقانیه
پیشخدمتان	دویم عالیجاه عزت و سعادت همراه اخلاص و ارادت آگاه
	القاب حکام و پیشکاران ممالک محروسه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

ولیعهد با سایر شاهنشاه القاب نواب ولیعهد

زادگان

صاحب اختیار اذربایجان
اعمام
عم اکرم خجسته شمیم
کامکار و بلند اختر معزز
نامدار

والی خراسان
ارشاهنشاه زادگان
فرخنده گوهر درج
سلطنت و شهریاری
و درخشنده اختر برج
خلافت و جهانداری
فرزند ارجمند کامکار
نامدار

رتبه اولی

اعمام
اعم اسعد
اکرم کامکار و
فرخنده اختر
اسعد نامدار

اکرم حسام السلطنه باشد
خجسته اختر منصور
مرید نامدار

فرمانفرمای فارس
مثل والی خراسان

شاهنشاه زادگان
قره باصره خلافت و جهانداری و عزه ناصیه سلطنت و
شهریاری فرزند ارجمند سعادت‌مند

اعمام
امراء عظام
عم اکرم سعادت‌مند و فرخنده شمیم نامدار ارجمند
بمناسبت شئونات درجات هر یک از امراء باشد نوشته
می شود

رتبه ثانیه

خوانین و ارباب‌قلم
بمناسبت درجات خوانین و ارباب قلم باید نوشته شود

منابع و مأخذ:

۱. اشرف، احمد. «القاب دیوانی در عهد قاجاریه»، مجله آینده - سال نهم، ش ۱۳۶۲، ص ۲۹-۳۳.
۲. احمد میرزا قاجار، ۱۲۳۴-۱۳۱۹ق.. تاریخ عضدی. - [تهران]: [بابک]، [۱۳۵۵]. ص ۲۵-۳۰۲، فهرست اعلام، ص ۱۵-۶۰.
۳. رستم‌الحکماء، محمدهاشم، قرن ۱۳ق.. رستم‌التواریخ. - تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۲. ص ۷۱-۴۶۷.
۴. اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی، ۱۲۵۹-۱۳۱۳ق.. المآثر و الآثار. - تهران: [کتابخانه سنایی]، ۱۳۰۶ق..، ص ۴۲-۲۳۰.
۵. مستوفی، عبدالله، ۱۲۵۵ - ۱۳۲۹. شرح زندگانی من. - تهران: علمی، ۱۳۲۴. ج ۱، ص ۵۹۱-۵۹۲.
۶. بامداد، مهدی. شرح حال رجال ایران. - تهران: کتابفروشی زوار، [۱۳۵۰]. ج ۴، ص ۳۵۱.
۷. اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی، ۱۲۵۹ - ۱۳۱۳ق.. روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه. - تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۵. ص ۴۳۹.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی